



شناخت خطاهای رایج در معامله گری

احساسات نقش بسیار مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت سرمایه‌گذار ایفا می‌کنند. از آنجاکه سرمایه‌گذاران برخی اوقات منطقی تصمیم نمی‌گیرند و بر اساس احساس و تحت تأثیر شرایط موجود عمل می‌کنند، لذا این گرایش‌های احساسی و طبیعی افراد باعث می‌شود در مواردی واکنش‌هایی کم یا زیاد توأم با هیجان رخ دهند و در نتیجه به بروز سوگیری‌های رفتاری مختلف منجر شوند.

سوگیری‌ها به‌طور کلی در دو چارچوب شناختی و احساسی قرار می‌گیرند. سوگیری‌های شناختی باعث اختلال در شناخت شده و از واقعیت، تصویری نادرست ایجاد می‌کنند که این امر موجب بروز خطا در ادراک و در نهایت خطا در تصمیم‌گیری می‌شود. این در حالی است که احساسات نیز نقش بسیار مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت یک معامله‌گر بازی می‌کند و می‌توانند بر شیوه تعقل فرد تأثیرگذار بوده و در نتیجه یک سوگیری احساسی را برای سرمایه‌گذار به همراه بیاورند. در فرآیند تصمیم‌گیری، مهم‌ترین مرحله، شناخت و دریافت صحیح اطلاعات پیرامون یک موضوع است. هر اندازه که این شناخت به‌شکل بهتری انجام شده و کامل‌تر باشد، بدیهی است در ادامه مراحل تصمیم‌گیری، کار به‌نحو بهتری دنبال می‌شود و در غیر این‌صورت، تصمیم‌گیری پیامد مناسبی نخواهد داشت. شناخت‌ها با چگونگی اندیشیدن انسان‌ها در ارتباط هستند و چارچوبی را برای درک شیوه پندار و کردار افراد در رابطه با ثروت شخصی‌شان فراهم می‌کنند.

سه مورد از سوگیری‌های شناختی شامل: سوگیری باورگرایی، سوگیری محافظه‌کاری و سوگیری پس‌نگری.

سوگیری باورگرایی

افراد تمایل دارند ایده‌های مطابق با باورشان را از لابه‌لای ایده‌های مختلف بپذیرند و ایده‌هایی که با اعتقاد آن‌ها در تضاد است را کم یا بی‌ارزش قلمداد کنند. به بیان دیگر، این سوگیری، انتخاب‌گزینشی از بین اطلاعاتی است که ایده‌های فرد را تأیید می‌کنند. تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد افراد به اطلاعاتی که آن‌ها را تأیید می‌کنند وزن بیشتری می‌دهند. دلیل بروز سوگیری مذکور نیز این است که کنار آمدن با شواهدی که مؤید نظرات فرد هستند برای وی راحت‌تر از کنار آمدن با شواهدی است که در تناقض با نظرات او می‌باشد.

این سوگیری سرمایه‌گذاران را وا می‌دارد که به نگهداری پرتفوی غیرمتنوع ادامه دهند یا سبب می‌شود که کارکنان یک شرکت به سهام شرکتی که در آن مشغول به فعالیت هستند، بیش از اندازه اطمینان داشته باشند و یا تنها از اطلاعاتی استفاده

کنند که همسو با عقایدشان بوده و نظرات آن‌ها را تأیید می‌کند. هنگامی که از وجود سوگیری باورگرایی (سوگیری تأیید) مطلع باشید، درخواهید یافت که ممکن است فرآیند تصمیم‌گیری شما از این طریق دچار آسیب شود.

سوگیری محافظه‌کاری

نوعی فرآیند ذهنی است که باعث می‌شود فرد به دیدگاه و پیش‌بینی قبلی خود متکی بوده و تمایلی برای دریافت اطلاعات جدید نداشته باشد. چنین فردی در برابر اطلاعات جدید واکنشی سریع از خود نشان نداده و یا دیر عکس‌العملی نشان می‌دهد، لذا در هنگام مواجهه با تصمیم‌های پرمخاطره تمایل دارد تا با پیش‌بینی و برآورد شرایط موجود، خود را در ایمن‌ترین قسمت موجود نگه داشته و در نتیجه نتواند به‌عنوان یک فرد منطقی در مواجهه با اطلاعات و شواهد جدید واکنش سریع و مناسب داشته باشد که سبب می‌شود اصطلاحاً از بازار عقب بماند. گاهی محافظه‌کاری بیش از حد می‌تواند حتی خطرناک‌تر از احتیاط نکردن باشد.

بدیهی است که با رخ دادن سوگیری مزبور، سرمایه‌گذار رفتاری غیرمنعطفانه نسبت به اطلاعات جدید خواهد داشت و ترجیح می‌دهد آسان‌ترین گزینه یعنی پایبندی به اطلاعات و عقاید قبلی خود را برگزیند. همچنین، سوگیری محافظه‌کاری باعث می‌شود سرمایه‌گذار فرصت‌های سودآور بسیاری را از دست داده و این تصمیم‌گیری منجر به ایجاد ضرر برای وی شود.

سوگیری پس‌نگری (خطای بازنگری)

برخی افراد تمایل دارند پس از روی دادن موضوعی، خود را در پیش‌بینی آن موفق اعلام کنند. این افراد بعد از اینکه موضوعی اتفاق افتاد این‌گونه بیان می‌کنند که «پیش‌بینی من هم همین بوده» و یا مثلاً «از اولش می‌دانستم که این جور می‌شود». این باور غلط باعث ایجاد سوگیری پس‌نگری می‌شود. سرمایه‌گذارانی که در معرض این سوگیری قرار می‌گیرند، در زمان تصمیم‌گیری با خیال راحت دست به اقداماتی می‌زنند که از احتمال موفقیت در آن اطلاعات مناسبی ندارند، در اصطلاح در حالتی از امنیت دروغین دست به اتخاذ تصمیم می‌زنند. هرچند این افراد خود را در این تصمیم‌گیری موفق ارزیابی می‌کنند، اما اگر فردی از توانایی خود در پیش‌بینی به‌درستی آگاهی داشته باشد، می‌تواند در مواردی که اشتباه کرده و اشتباه خود را نیز قبول کرده، یادگیری داشته باشد و برای رویدادهای آتی، موارد مشابه را درست پیش‌بینی کند. این موارد مربوط به حالتی است که فرد دچار سوگیری مزبور نباشد، اما زمانی که فرد دچار این سوگیری می‌شود، فرصت یادگیری پس از اشتباه خود را از دست می‌دهد.

سه مورد دیگر از این نوع سوگیری‌ها

سوگیری معرف‌گرایی (نماگری)

انسان‌ها آموخته‌اند برای درک بهتر معانی و مفاهیم، موضوعات و تفکرات خود را طبقه‌بندی کنند. به همین خاطر، هنگامی که با پدیده جدیدی مواجه می‌شوند که در طبقات پیش‌ساخته آن‌ها جای نمی‌گیرد، سعی می‌کنند به هر شکل ممکن این پدیده را با طبقه‌بندی‌های قبلی که در ذهنشان ایجاد شده است تطبیق دهند. «معرف‌گرایی» یا «کلیشه قرار دادن» به فرآیند تصمیم‌گیری افراد بر اساس کلیشه‌ها یا همین طبقه‌بندی‌های ذهنی گفته می‌شود. به بیان دیگر، افراد احتمال وقوع یک پدیده را با توجه به میزان شباهتی که این پدیده با پدیده‌های مشاهده‌شده قبلی دارد، برآورد می‌کنند. برای مثال، اگر سهم جدیدی در بازار عرضه شود و سرمایه‌گذاران بین آن و سهم دیگری که مدتی قبل عرضه شده و بازده خوبی داشته است شباهت‌هایی ببینند، برای خرید آن هجوم می‌آورند؛ شاید به این دلیل که چنین اقدامی جایگزینی راحت به‌جای تحقیق عمیق و همه‌جانبه موردنیاز برای ارزیابی سرمایه‌گذاری است.

سوگیری توانمندپنداری (توهم کنترل)

انسان به‌طور کلی بر محیط اطراف خود اثرگذار است و هرچه دایره اطلاعات او از پدیده‌های اطرافش وسیع‌تر شود، این کنترل

نیز بیش‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، ممکن است فرد در مواجهه با برخی پدیده‌ها دچار اشتباه شده و آن دسته از پدیده‌هایی که کنترل چندانی بر آن‌ها ندارد را نیز تحت کنترل خود تصور کند که بر همین اساس باید حوزه قابل کنترل و غیرقابل کنترل را از هم تفکیک کند. تمایل انسان به این باور که بر تمامی پدیده‌ها کنترل دارد یا حداقل می‌تواند بر آن‌ها اثرگذار باشد، درحالی‌که واقعیت چنین نیست، «سوگیری توهم کنترل» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، افراد گرایش به پذیرش مطالبی دارند که پردازش و کنترل آن برایشان راحت‌تر است و البته به آن اعتماد بیشتری نیز پیدا می‌کنند. در نتیجه، ابتلای سرمایه‌گذار به این سوگیری باعث می‌شود بیش از حد لازم معامله کند و پرتفوی غیرمتنوعی را تشکیل دهد.

سوگیری اتکا و تعدیل

برای تخمین مقدار یک متغیر، افراد عموماً فرآیند تخمین را با مبنا قرار دادن یک رقم اولیه ذهنی به‌عنوان «نقطه اتکا» آغاز و سعی می‌کنند روی این رقم، تعدیل مثبت یا منفی موردنظر را انجام دهند. این تعدیل غالباً ناقص بوده و نتیجه آن سوگیرانه است. سرمایه‌گذارانی که در معرض این نوع سوگیری هستند، غالباً تحت تاثیر قیمت خرید - یا سطح دیگری از قیمت و یا شاخص قیمت - بر پایه ترجیحات فردی (نه ضابطه ای روشن) عمل می‌کنند و در زمان مواجهه با سوالی از این قبیل که باید این سهم را بخرم یا بفروشم؟ یا این سوال که آیا بازار قیمت این سهم را زیر ارزش ذاتی و یا بالاتر از آن برآورد کرده است؟ به نقطه اتکا متوسل می‌شوند. سرمایه‌گذاران عقلایی با اطلاعات جدید، واقع‌گرایانه و بدون سوگیری برخورد می‌کنند و نقاط از پیش تعیین شده، مثل قیمت‌های خرید یا قیمت‌های هدف را در تصمیم‌گیری خود دخالت نمی‌دهند. فرض کنید از شما سؤال شود جمعیت کانادا بیش از ۲۰ میلیون نفر است یا کمتر. روشن است که پاسخ شما دو حالت دارد، یا بالای ۲۰ میلیون و یا کمتر از آن. این در حالی است که اگر از شما خواسته شود میزان جمعیت کانادا را حدس بزنید، تخمین شما به احتمال زیاد نزدیک ۲۰ میلیون نفر خواهد بود، زیرا افراد عموماً در معرض سوگیری اتکا ناشی از پاسخ قبلی خود قرار می‌گیرند. «اتکا و تعدیل» یک فرآیند روان‌شناختی است که شیوه برآورد احتمالات توسط افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا سرمایه‌گذارانی که تحت تأثیر این سوگیری واقع می‌شوند معمولاً مقدار شاخص قیمت بازار را به‌نحوی پیش‌بینی می‌کنند که به سطوح فعلی آن بسیار نزدیک باشد. این افراد گاهی وضعیت اقتصادی کشور یا وضعیت مالی شرکت خاصی را مرجع قرار می‌دهند یا در هنگام مواجهه با اطلاعات جدید در مورد سود یک شرکت، قیمت آتی سهم آن را بسیار نزدیک به برآوردهای اولیه خود تخمین می‌زنند.

نتیجه‌گیری

سوگیری‌های شناختی از اشتباهات آماری، بروز خطا در یادآوری یا لغزش در پردازش اطلاعات ناشی شده، نتیجه استدلال و تحلیل معیوب هستند و مانع از تصمیم‌گیری‌های معقولانه می‌شوند. تصمیم‌گیرندگان عقلایی در صورت تمرکز بر سوگیری‌ها یا خطاهای مزبور، قادر به تصحیح آن‌ها خواهند بود، چراکه با افزایش آگاهی نسبت به خطاهای شناختی، احتمال ارتکاب آن‌ها کاهش می‌یابد. استفاده از یک فرآیند سیستماتیک به‌منظور توصیف مسائل و اهداف، جمع‌آوری، ثبت و ترکیب اطلاعات، همچنین مستندسازی تصمیم‌ها و دلایل اتخاذ آن‌ها و مقایسه پیامدهای واقعی با نتایج موردانتظار راهکار مناسبی برای کاهش سوگیری‌های شناختی است.

سه سوگیری باورگرایی (تمایل سرمایه‌گذار به باورها و اعتقادات فکری خود و پیاده‌سازی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری)، سوگیری محافظه‌کاری (ماندن در امن‌ترین نقطه موجود در هنگام تصمیم‌گیری‌ها) و در آخر سوگیری پس‌نگری (گرایش ناآگاهانه فرد به باخبر شدن از هر رویداد، پس از رخ دادن آن) را شامل می‌شود. همچنین، سه سوگیری معرف‌گرایی (سرمایه‌گذاران غالباً در زمان اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه‌گذاری، رفتاری قالبی و کلیشه‌ای دارند)، توانمندپنداری (انتظار کسب یک موفقیت که احتمال وقوعش از نظر شخص، به‌طور نامتناسبی بالاتر از احتمال عینی و موجه

آن است) و اتکا و تعدیل (پافشاری بر آنچه در اطلاعات گذشته بوده است و عدم تعدیل به موقع محاسبات با اطلاعات جدید) معرفی شد.

بسیاری از معامله‌گران حرفه‌ای می‌گویند برای پایبند ماندن به یک استراتژی باید ذهنی سرسخت داشته باشید!

وضعیت ذهنی در معامله روزانه یا سرمایه‌گذاری و خرید و فروش به قصد سودگیری از نوسانات قیمت به اندازه استراتژی‌ای که استفاده می‌کنید اهمیت دارد.

هر معامله با معامله پیشین متفاوت است و معامله‌گر گاهی ضرر می‌کند، به همین علت گاهی به زیر سوال بردن روش معاملاتی متمایل می‌شود، حتی اگر عملکرد آن را دیده و از آن خاطر جمع باشد.

ناتوانی در پایبند ماندن به یک استراتژی منجر به بروز انواع مختلفی از مشکلات می‌شود، از جمله ورود زود هنگام، خروج دیر هنگام، ریسک کردن بیشتر یا کمتر از حد کافی، انجام ندادن برخی معاملات یا انجام بیش از اندازه معاملات.

راه‌های مختلفی برای خراب کردن یک معامله وجود دارد و اغلب این خطاها ناشی از لغزش‌های ذهنی هستند.

بورسینس، پنج مورد از رایج‌ترین این لغزش‌ها و خطاهای ذهنی را نام برده.

۱. عدم اعتماد به یک روش

وقتی به کاری واقعا باور داشته باشید، انجامش می‌دهید.

استراتژی معاملاتی شما باید اینگونه باشد.

استراتژی معاملاتی را آنقدر قرص و محکم و حرفه‌ای تنظیم کنید که خدش‌های به آن وارد نباشد. بدانید که دنبال کردن استراتژی‌تان نتیجه‌بخش است، و هر کاری خارج از این استراتژی برایتان ناآشناست پس ارزش ریسک کردن را ندارد.

چطور می‌توانید چنین اطمینانی را کسب کنید؟ تنها یک راه وجود دارد: آنقدر این استراتژی را تمرین کنید تا زمانی که هیچ شکی در مورد کارایی آن در ذهن نداشته باشید. این کار ممکن است چند ماه طول بکشد اما بسیاری از خطاهایی که پیش از این به آنها اشاره شد را کاهش می‌دهد.

۲. آماده نبودن برای معامله

ممکن است زندگی شلوغی داشته باشید اما در هر صورت اطمینان از آمادگی کامل برای معاملات گامی ضروری است.

این امر شامل مواردی ساده می‌تواند شامل چک کردن اخبار تاثیرگذار اقتصادی، یا چک کردن سهام، جفت ارز موردنظر در فارکس، قراردادهای آتی، رویدادهای خاص و برنامه ریزی شده (مانند درآمد، گزارش کالا، و غیره) باشد که به خاطر آنها قصد معامله دارید.

این یعنی مطمئن شوید که تنظیمات پلتفرم معاملاتی شما صحیح است و متمرکز هستید.

حتما مطمئن شوید که غذا خورده‌اید و دستشویی رفته‌اید تا وقتی نوبت به انجام معاملات (یا معاملات بالقوه) رسید مجبور به دست کشیدن از آنها نباشید.

یک برنامه منظم معاملاتی ایجاد کرده و هرروز از آن پیروی کنید، این امر می‌تواند جلوی خطاهای زیر را بگیرد:

- معاملات تصادفی که به هنگام انتشار اخبار مهم ممکن است دست به انجام آن بزنید

- معاملاتی که از روی ترس از دست دادن سود است

- و سایر معاملات خارج از برنامه

ممکن است این مسائل را بدیهی در نظر گرفته و برخی روزها آن را فراموش کنید. اما فراموشی این اصل می‌تواند منجر به خطای ذهنی بزرگی شود.

۳. معامله به هنگام بیماری یا عدم تمرکز

دنبال کردن استراتژی معاملاتی روزانه احتیاج به تلاش ذهنی دارد.

به هنگام بیمار بودن یا عدم تمرکز (به خاطر مشکلات خانوادگی یا روابط، سلامت جسمی یا بیماری خاص در خانواده، مشکلات مالی، و غیره) توجهی که باید در انجام معاملات صرف کنید روی کارهای مختلف تقسیم می‌شود.

این امر ما را در معرض خطای بیشتر قرار می‌دهد، مانند ورود به سفارش نادرست، اشتباه در حجم معامله، از دست دادن فرصت‌های معاملاتی، یا احساسی عمل کردن به جای دنبال کردن استراتژی‌مان.

اگر می‌خواهید معامله کنید، به هنگام تمرکز حواس و سلامت کامل این کار را انجام دهید.

شما باید در حین معامله به اندازه کافی انرژی ذهنی برای دنبال کردن برنامه خود داشته باشید. در غیر این صورت، معامله نکنید.

اگر شروع به معامله کردید و متوجه شدید که در حال از دست دادن تمرکز و انرژی خود هستید و در معاملات خود سردرگم شده‌اید، دست از معامله بکشید. سایت بورسینس را بخوانید.

بازارها فردا یا روزهای بعد هم آنجا خواهند بود.

زمان کافی برای استراحت در نظر بگیرید. بعدها از اینکه پول‌تان را نباختید خوشحال خواهید شد.

۴. تاثیرگذار بودن معاملات پیشین روی معاملات آینده

اگر معامله خوبی را پیش رو می‌بینید، آیا برد یا باخت در معامله قبلی‌تان باید بر تصمیم‌تان تاثیر بگذارد؟ خیر. اما برای بسیاری از معامله‌گرها تاثیرگذار است.

خطای ذهنی این است که فرض کنیم احتمال پیروزی این معامله به معامله قبلی‌گره خورده، در حالیکه اینطور نیست. اگر یک معامله‌گر در ۶۰ درصد تریدهایش موفق باشد و شرایط مناسبی را ببیند، فرض منطقی این است که معامله پیش رو ۶۰ درصد شانس پیروزی دارد.

در شرایط مناسب معامله را انجام دهید و اجازه ندهید معامله خاصی در شما ایجاد ترس یا طمع کند.

هر معامله رویدادی کاملاً مستقل است و به گونه‌ای که استراتژی و برنامه معاملاتی‌تان حکم می‌کند معامله کنید.

ضررهای گذشته نباید شما را از معاملات آینده بترسانند (مفروض بر اینکه یک استراتژی سودآور داشته باشید و بدانید که معاملات روزانه خود را چگونه باید انجام دهید) و سودهای گذشته نیز نباید شما را مغرور کنند.

در لحظه معامله درست انجام دهید؛ این تنها چیزی است که بر آن کنترل داریم.

۵. معامله فراتر از محدوده استراتژی

هر استراتژی محدوده‌ای دارد و تا حد خاصی می‌تواند سودآور باشد.

پس یک استراتژی خاص، مثلاً چندین سیگنال معاملاتی در طول روز تولید می‌کند، اندازه موقعیت معاملاتی شما را محدود می‌کند و فقط در بازارها یا زمان‌هایی کارساز است.

معامله در محدوده استراتژی به این معناست که شما باید در این محدوده به دنبال پاداش باشید. طمع بیش از حد و تلاش برای کسب درآمد بیشتر از محدوده استراتژی – مانند معامله خارج از زمان تعیین شده، تلاش برای یافتن معاملات “بیشتر”، یا استفاده از یک استراتژی در بازاری متفاوت – می‌تواند تاثیری منفی بر سودآوری کلی شما داشته باشد.

اگر یک سیستم سودآور دارید، به شکلی که از پیش تعیین شده آن را معامله کنید.

با این روش در طول زمان می‌توانید سرمایه خود را افزایش داده و احتمالاً درآمد بیشتری از آن کسب کنید.

اما اگر سعی کنید به زحمت خود را فراتر از آنچه در توان استراتژی‌تان هست بکشانید، بازدهی که انتظار می‌رود را نخواهد دید. اگر سیستم سودآوری برای دنبال کردن ندارید شما را به نکته اول در این مقاله ارجاع می‌دهیم.

سخن آخر

خطاها به هنگام معامله پیش می‌آیند. با اعتماد به روش خود از آنها اجتناب کنید.

زمانی صرف آمادگی برای هر روز معاملاتی کنید، تنها وقتی متمرکز و تندرست هستید معامله کنید، روی معامله اکنون تمرکز داشته باشید و نه معامله‌های گذشته و در چارچوب و محدوده استراتژی خود باقی بمانید.

#ترید_ساده_اما_سخت

کانال پرسش و پاسخ بورسی

@ans_to_ask